

نام‌های علم در ترجمه متون تاریخی

کوروش صالحی*

چکیده

ترجمه متون و ایجاد پل ارتباطی میان دو بستر مفهومی در دو قالب متفاوت نه تنها علم بلکه هنر است. غالباً ترجمه‌ای درخور توجه است که توانایی کاربرد مفاهیم مناسب را در زبان دوم داشته باشد. با اذعان به پیچیدگی کار ترجمه متون تاریخی و پاس‌داشت کار مترجمان، اشاره به برخی نکات ظریف اما کلیدی در ترجمه این متون، دورنمای بهتری را برای این دسته از ترجمه‌ها دربر خواهد داشت. انتقال نام‌های تاریخی از زبان‌های خارجی به زبان فارسی به سبب تفاوت در الفبا و آوانوشت کار بسیار پیچیده‌ای است. این مهم زمانی در کار ترجمه خلل ایجاد می‌کند که آن نام‌ها کم‌تر معروف یا از دایره تخصص مترجم بیرون باشد. به بیان دیگر، مترجم کلیت جمله را به خوبی ترجمه می‌کند اما به سبب ناتوانی در تشخیص نام علم تاریخی ماهیت ترجمه را به خطر می‌اندازد. در دو قرن اخیر از این دست ترجمه‌های غیرتخصصی، که شاید در انتقال مفهوم نیز بسیار پرتوان باشند، به زبان فارسی نمونه‌هایی دیده می‌شود، که به سبب رعایت نکردن اصول ترجمه نام‌های تاریخی (چه نام اشخاص و چه نام اماکن) از قانون رعایت امانت در نقل مطلب ناخواسته عدول کرده‌اند. کاربرد بی‌عیب و به‌جای نام‌های تاریخی در ترجمه علاوه بر این که ارزش ترجمه را بالا می‌برد خوانندگان متون ترجمه شده را در دریافت مفهوم اثر پژوهشی اصلی یاری می‌کند. به دیگر سخن، مخاطب در ابهام ناشی از مجهول بودن نام باقی نمی‌ماند. این تحقیق بر آن است که به ارائه برخی از محورهای درخور توجه در ترجمه و مراحل نهایی تدوین متون تاریخی ترجمه شده بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، آسیب‌های ترجمه، ویرایش علمی، زبان مبدأ، زبان مقصد، نام‌های تاریخی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان salehi@lihu.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۵

مقدمه

با اذعان به فنی بودن کار ترجمه و محترم شمردن کار مترجمان بزرگ آثار تاریخی کشور و بدون غرض ورزی به این استادان، از آن‌جا که سخن از آسیب‌شناسی ترجمه در میان است، بیان آن دسته از عیوب فنی که در کار بعضی از مترجمان دیده می‌شود، برای تصحیح و دقت بیش‌تر ضروری است. بی‌شک، کسی که با فرایند ترجمه آشناست، به پیچیدگی این دانش آگاه است. انتقال یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد با رعایت اصل امانت و ارائه مفهومی مشخص و قابل فهم در زبان مقصد ظرایف و لطایف خاصی می‌طلبد و از عهده افرادی برمی‌آید که دانش آن را داشته باشند.

اصولاً ترجمه علمی متون روندی بسته و انعطاف‌ناپذیر است. ترجمه متن ساده داستانی همان ظرایف و لطایف متن پیچیده را می‌طلبد، چراکه مترجم در کار خود مخیر نیست. او باید آن‌چه را در متن مبدأ موجود است به زبان مقصد منتقل کند. ترجمه علمی با اقتباس ترجمه‌گونه تفاوت بسیاری دارد. ترجمه‌ای علمی است که مفهوم متن اصلی در زبان مبدأ را به صورت شیوا و دقیق به زبان مقصد منتقل کند.

در ترجمه متن تاریخی، به‌خصوص متونی که مخاطب اطلاعاتی درباره آن ندارد یا اطلاعاتش بسیار اندک است، به زیرنویس‌های توضیحی نیاز است. در این متون علاوه بر ترجمه متن، انتقال درست اسامی خاص با شناسه سال و در صورت امکان انطباق آن با محدوده ذهنی مخاطب (انطباق تاریخی) می‌تواند در ارائه ترجمه‌ای غنی سودمند باشد. اگر ترجمه را روند انتقال مفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد بدانند، ترجمه متون تاریخی با ترجمه سایر متون اشتراک دارد، اما ترجمه یک متن تاریخی علاوه بر مرحله نهایی پرداخت ترجمه، که مترجم آخرین تغییرات علمی را در متن اعمال می‌کند، به سبب منحصر به فرد بودن رویدادهای تاریخی، نیازمند پرداخت علمی اعلام تاریخی است. معادل‌یابی برای آن دسته از اسامی که معادلی در زبان مقصد دارند و دقت در انتقال صحیح اسامی به زبان مقصد از مهم‌ترین مراحل پرداخت متن ترجمه‌شده تاریخی است.

تاریخ از رشته‌های کهن علوم انسانی است و فراوانی اسامی خاص در آن این متون را از دیگر متون علوم انسانی متمایز می‌کند. این اسامی هویت تاریخی دارند و به تعبیری محقق را از فضای تاریخی دوره خود مطلع می‌سازند. اسامی خاص در تاریخ از نام سلسله‌ها و مناطق تاریخی تا نام افرادی را شامل می‌شود که در یک رویداد نقش یا حداقل حضور داشته‌اند.

در انتقال اسم خاص در فن ترجمه، علاوه بر دقت، باید به نوع نگارش و تلفظ نام خاص در دو زبان توجه کرد. انتقال اسامی در فرایند ترجمه اغلب نادیده گرفته می‌شود و مترجم بیش‌ترین توجه را به انتقال مفهوم معطوف می‌کند و از ظاهر کلام، که نام‌های خاص از ظواهر بسیار مهم است، سطحی عبور می‌کند. البته در بازنویسی اسامی، اصطلاحات، و واژه‌های خارجی به شکل خط فارسی قاعده خاصی وجود ندارد و هر مترجم، نویسنده، محقق، و روزنامه‌نگاری بنابر سلیقه و ذوق یا میزان دانش خود، به گونه‌ای متفاوت، این دسته از کلمات را از زبان‌های خارجی به فارسی برمی‌گرداند. در نتیجه، یک نام به دو یا چند صورت نوشته می‌شود. همین بی‌قاعدگی و نبود ضابطه معین باعث شده است تا نام یک نویسنده، کشور، شهر، و ... در روند انتقال به زبان مقصد به چند صورت مختلف نگاشته شود (صدیق بهزادی، ۱۳۷۵: ۲، ۳).

در میان مترجمان متون تاریخی در کشور دو گروه درخور توجه‌اند: گروهی که به زبان خارجی تسلط دارند، اما از متن تخصصی رشته‌ای خاص اطلاعات اندکی دارند یا متخصص آن رشته نیستند؛ گروهی دیگر که علاوه بر تسلط به زبان خارجی با رشته تخصصی نیز آشنایی دارند. این دو گروه در تدوین ترجمه خوب باید علاوه بر انتقال امانت‌دارانه مفهوم مراحل پردازش متن ترجمه‌شده را نیز طی کنند.

۱. رعایت امانت در ترجمه

مترجم امین کسی است که عین گفته یا نوشته نویسنده را بی‌کم‌وکاست به زبان مقصد برگرداند و نه چیزی بر آن بیفزاید و نه چیزی از آن کم کند (قاضی، ۱۳۷۹: ۳۵؛ کزازی، ۱۳۷۴: ۴۶-۴۷). امانت در ترجمه علاوه بر درستی انتقال مفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد، شامل وجوه گوناگون متن هم می‌شود. ارائه درست وجه خبری، شرطی، و امری بافت متن؛ انتقال بار ارزشی متن (نفی یا اثبات)؛ و انتقال صحیح اسم خاص و تعیین جایگاه و نقش آن در زبان مبدأ از مهم‌ترین ارکان امانت‌داری در ترجمه متن تاریخی است.

تا حدود نیم قرن پیش امانت‌داری در ترجمه به این معنی بود که عبارت زبان اصلی هرچه بیش‌تر به کسوت زبان فارسی درآید. نسل گذشته مترجمان (ترجمه‌های نخستین زبان‌های اروپایی) ارزش ترجمه را برحسب انطباق هرچه بیش‌تر آن با متن اصلی می‌سنجیدند (نجفی، ۱۳۶۵: ۴). در این ترجمه‌ها توجه خاصی به نقش کلمات نمی‌شد و اسامی علم نیز آن‌چنان‌که در توان مترجم بود، منتقل می‌شد به گونه‌ای که اگر امروز این متون

مطالعه شود، انبوهی از ضبط متفاوت اسامی، حتی در یک متن، یافت می‌شود که حاصل غفلت و نبود روش در انتقال اسامی به زبان مقصد است.

ضبط صحیح اعلام (نام‌های تاریخی و جغرافیایی) از وظایف مترجمان است. انتقال واژه‌ها از عربی، فارسی یا اردو به انگلیسی یا فرانسه و بازگرداندن آن‌ها به فارسی و عربی صحیح هنگامی که اطلس مفصل اعلام در دست نیست، کار بسیار سختی است؛ مثلاً نصرالملک بعد از انتقال به زبان انگلیسی، در ترجمه از انگلیسی به زبان اولیه ناصرالملک ضبط می‌شود. مترجم باید اصل این اعلام را پیدا کند و در ترجمه به کارگیرد و به هیچ‌وجه نباید بدون سند معتبر آن را به فارسی برگرداند، چون سهواً از متن و عبارت اصلی دور خواهد شد (امامی، ۱۳۷۲: ۱۹۲).

۲. نام‌های تغییرناپذیر - نام‌های متغیر

اسامی خاص در متون تاریخی دو نوع‌اند: یکی نام‌های تغییرناپذیر و دیگری نام‌های متغیر. هر نام خاص یک فرهنگ تاریخی به‌دنبال خود دارد. مفهوم فرهنگی یک نام سازه‌ای از آن و بیان‌کننده ادوار تطور و تحول آن نام در طول تاریخ است.

هر نام، در زبان مبدأ، آوانوشت مخصوصی دارد که باید با رعایت امانت آن را به زبان مقصد ترجمه کرد. در نام‌های خاص نمی‌توان دخل و تصرف کرد، اما اگر این نام‌ها در گذشته با واسطه زبان دیگری وارد زبان مقصد شده باشند، باید مصطلح‌ترین نام را انتخاب کرد. مثلاً در زمان قاجار، که زبان فرانسه اولین زبان اروپایی در ایران به‌شمار می‌رفت، بسیاری از کلمات و نام‌ها به‌سبب نقش واسطه‌ای زبان فرانسه از این زبان گرفته شده‌اند یا به آوانوشت فرانسوی به‌کار رفته‌اند که سابقه نه‌چندان درخشانی را در نام‌های واردشده ایجاد کرده‌اند؛ زیرا در زبان انگلیسی آوانوشت این نام‌ها با آوانوشت فرانسوی متفاوت است و مترجم باید در انتخاب آن نام بسیار دقت کند. پیش از جنگ جهانی دوم چنین مرسوم بود که اکثر نام‌ها و واژه‌های بیگانه را با تلفظ فرانسوی بنویسند. بعد از این دوره، با رواج بیش‌تر زبان انگلیسی، اعلام و اصطلاحات بیش‌تر با تلفظ انگلیسی ضبط شده‌اند؛ مثلاً تلفظ‌های فرانسوی «کلی فارنیه، باستان، ویلیم» در نوع انگلیسی به‌شکل «کالیفرنیا، بوستون، ویلیام» ثبت شده‌اند (صدیق بهزادی، ۱۳۷۵: ۱، ۲).

علاوه‌بر این بسیاری از نام‌ها به‌واسطه زبان ترکی یا عربی به زبان فارسی وارد شده‌اند. یعنی آن نام یا کلمه از زبان فرانسوی یا انگلیسی به زبان عربی یا ترکی درآمده و بعد از آن

به زبان فارسی وارد شده است. مثلاً «قسطنطنیه» در اصل «کنستانتینوپل» و «قنسول» در اصل «کنسول»، باید «قسطنطنیه» و «کنسول» ترجمه و ضبط شوند؛ زیرا قسطنطنیه مصطلح است و در طول تاریخ نیز سابقه‌ای (پایتخت عثمانی) برجای گذاشته است و کنسول هم راحت‌تر از قنسول ادا می‌شود و هم مستقیماً از زبان مبدأ (انگلیسی) به زبان مقصد (فارسی) وارد شده است. اما کلمه «شارل» باید عیناً مطابق با آوانوشت و چنان‌که در زبان اصلی تلفظ می‌شود به کار رود.

۳. خطاهای شایع در ترجمه متون تاریخی

از رایج‌ترین خطاهایی که در ترجمه متون تاریخی به خصوص متونی رخ می‌دهد که به تمدن‌های دیگر پرداخته‌اند و مترجم اطلاعات کافی از آن‌ها ندارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱،۳ ناتوانی در شناخت اسم خاص و ترجمه سهوی آن

برای این که ترجمه متن تاریخی کاملاً درست باشد آشنایی مترجم با موضوعات تخصصی تاریخ ضروری است. آشنایی با فضای تاریخی (زمانی و مکانی) متن و اسامی علم جایگاه ویژه‌ای در فن ترجمه دارد (هژبرنژاد، ۱۳۷۲: ۹۹). اگر در ترجمه متون تاریخی، مترجم به محدوده زمانی و مکانی متن اصلی احاطه کامل نداشته باشد، احتمال خطا و اشتباه در انتقال اسامی خاص وجود دارد. امری که بارها در ترجمه متون دیده می‌شود ناتوانی مترجم در تشخیص درست اسم خاص است، که ترجمه‌پذیر نیست و باید بی‌تغییر به زبان مقصد منتقل شود، اما بعضی از مترجمان آن را اسم، مصدر، صفت، و ... تصور می‌کنند و به ترجمه آن می‌پردازند. در این خصوص مترجم متبحر باید ابتدا همه اسامی خاص را در متن مشخص و سپس متن را ترجمه کند. حال اگر مترجم بر موضوع تسلط داشته باشد، طبیعتاً این مرحله به خوبی انجام می‌گیرد؛ اما اگر مترجم دانش لازم را نداشته باشد خطر هرگونه لغزش و اشتباه در ترجمه متن وجود دارد. بر اثر درست‌نشناختن اسم خاص است که بعضی از مترجمان آن را کم‌اهمیت و حشو تشخیص می‌دهند و آن را حذف می‌کنند. از آن‌جاکه در تاریخ هر رویداد فاعل مخصوص به خود را دارد و در ذهن خواننده، به‌هنگام مطالعه متن ترجمه‌شده، مسئله قیاس پدید می‌آید، این حذفیات با ایجاد سؤالات مکرر در ذهن خواننده، ماهیت کار ترجمه را زیر سؤال می‌برد. مثلاً در کتاب *میراث ایران*، کلمه

«advocates diabolic» که به معنی «وکیل شیطان» است و نوعی تشبیه برای تفهیم بهتر موضوع بوده است، حذف شده است (ایلیف، ۱۳۸۴: ۶). اصل جمله این است:

To present the Persian side is to assume the role of, advocates diabolic: so completely has it gone by default (Iiffe, 1953: 1).

اسم خاص «وکیل شیطان» به قرون وسطای اروپا بازمی‌گردد. صاحب این منصب باید در برابر فردی که می‌خواست به مقام اسقفی دست یابد، به نفی صفات نیک او پردازد. این مناظره، که به شکل قضاوت در دادگاه برگزار می‌شد، تا حصول نتیجه منطقی ادامه می‌یافت. در این متن نویسنده برای احقاق حق ایرانیان، که در دادگاه تاریخ به سبب نداشتن اسناد و شواهد غیابی محکوم شده‌اند، از مثال و نقش «وکیل شیطان» استفاده کرده است تا نشان دهد هر نوشته‌ای که تاکنون براساس متون یونانی درباره ایران ارائه و قضاوت شده است باید به سبب یک‌طرفه بودن تا رسیدن به نتیجه منطقی و درست نفی شود. البته مترجم مفهوم اصلی را ارائه کرده، اما فضای ترجمه با فضای متن اصلی متفاوت شده است.

آنچه مترجمان متون تاریخی باید در ترجمه متون به کار ببندند از ترجمه متون سایر رشته‌ها جدا نیست. اصول نظری در ترجمه مانند اصل امانت‌داری، اصل دقت و نکته‌سنجی، و اصل وفاداری و صداقت از مهم‌ترین اصولی هستند که مترجم باید در رعایت آن‌ها دقت کند (هژبرنژاد، ۱۳۷۲: ۱۶۶). با در نظر گرفتن این‌که در موضوعات تاریخی اسامی علم و محدوده زمانی و مکانی هر رویداد مشخص است، این موارد می‌توانند بهترین معیار برای درستی کار مترجم باشند، زیرا به سهولت می‌توان صحت و سقم این اسامی را پی‌گیری کرد و تشخیص داد.

۲,۳ انتقال نادرست اسم خاص

بعضی از مترجمان بعد از ترجمه متن و انتقال نام خاص به زبان مقصد، شناسه‌های اسم علم را بر اثر بی‌توجهی و بی‌دقتی حذف می‌کنند و آن را به متن ترجمه منتقل نمی‌کنند. مثلاً در متون مربوط به تاریخ اروپا قبل از اسامی اشخاص، القابی مانند دوک، کنت، و لرد به کار می‌رود که جایگاه اسم خاص را در جامعه زبان مبدأ مشخص می‌کنند؛ یا در اسامی پادشاهان به کاربردن عدد یونانی III, VI, IV رایج است، این عدد بازگوکننده جایگاه شاه در سلسله‌ای مشخص و شناسه تاریخی است؛ سال از همین نشانه‌هاست. در تاریخ جهان سال‌ها عموماً به دو صورت قبل از میلاد و بعد از میلاد به کار می‌رود: (42-53 B.C) یا

(1653-1674). ترتیب ذکر سال‌ها در تاریخ قبل از میلاد از عدد بزرگ‌تر به عدد کوچک‌تر است، مثلاً از 53 تا 42 قبل از میلاد، که مترجمان یا آن را اضافه فرض می‌کنند و از آوردن آن خودداری می‌کنند و یا به غلط اول عدد کوچک‌تر و بعد عدد بزرگ‌تر را ذکر می‌کنند. درخصوص عددهای بعد از میلاد هم ترتیب به همان روش عدد کوچک‌تر و بعد عدد بزرگ‌تر است. به‌هرحال دقت در انتقال درست شناسه‌های نام علم نیز از مهم‌ترین جزئیاتی است که باید در ضمن ترجمه به آن توجه کرد.

۳,۳ جابه‌جایی نقش فاعل و مفعول

در ترجمه، هنگامی که چندین اسم خاص در جمله باشد، تشخیص جایگاه فاعل و مفعول یا هر نقشی که اسم علم می‌تواند به خود بگیرد از مهم‌ترین عوامل در بیان مفهوم متن است. بسیاری از اوقات مترجم سهواً قادر به تشخیص درست جایگاه اسم علم نیست و نقش فاعل را به مفعول منتقل می‌کند. این امر بر اثر آشنایی مترجم با فضای تاریخی متن به‌خوبی مهار می‌شود، اما هنگامی که مترجم اطلاعات چندانی درباره فضای تاریخی متن نداشته باشد این خطا بسیار نمایان‌تر می‌شود.

۴. ویرایش علمی ترجمه‌های تاریخی

مراحل پرداخت متن در فرایند ترجمه بسیار مهم‌اند.

یک ترجمه خوب می‌باید از مرحله ترجمه خام (حفظ محتوای اصلی)؛ ترجمه اصلاحی (تصحیح غلط‌های نحوی، خودداوری مترجم، و استفاده از نظرات اهل فن)؛ و ترجمه نهایی یا قابل چاپ (تصحیح واژه و نحو و اطمینان از هم‌خوانی و برابری در محتوا و صورت) عبور کرده باشد (حدادی، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۸).

مترجم برای جلوگیری از بروز خطاهای رایج در ترجمه متون تاریخی برای رفع اشکالات ترجمه خود می‌تواند از چندین روش استفاده کند. راه‌کارهای زیر بیش‌تر خطاهای رایج را برطرف می‌کند:

۱,۴ مقایسه متن ترجمه‌شده با متن تاریخی هم‌دوره

مقایسه متن ترجمه‌شده با متن تاریخی مشابه و مقارن از نظر زمان و مکان می‌تواند در تصحیح متن ترجمه‌شده بسیار کمک کند. به‌خصوص در این روند نام‌های خاص بهتر منتقل

می‌شوند. در متونی که مبدأ آن فارسی یا عربی است و محقق اروپایی آن‌ها را به زبان خود ترجمه است، تکیه بر منابع و مقایسه با آن‌ها، بهترین و مهم‌ترین مقیاس برای تشخیص صحت و درستی انتقال اسامی خاص در ترجمه است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲)، اما در متون خارجی که زبان مبدأ آن‌ها نیز خارجی است، رجوع به فرهنگ‌های اعلام و توجه به آوانویسی این اسامی از ضروری‌ترین وظایف مترجم است. مثلاً برای تشخیص صحت ضبط کلمات: «Ibn al-Qalanisi»، ابن القلانسی مورخ دمشق جنگ‌های صلیبی، «Saladin»، صلاح‌الدین ایوبی (Makdisi, 1965: 2, 6)، و «Tagarib al-umam-Ibn Miskawaih»، تجارب‌الامم ابن مسکویه (Wieschofer, 1996: 211)، باید به متن اصلی مراجعه کرد. در مورد دوم برای تشخیص «Mesopotamia»، میان‌رودان یا بین‌النهرین (منطقه باستانی میان دو رود دجله و فرات)، باید به فرهنگ‌های رایج مراجعه کرد اما بعضی از کلمات در این فرهنگ‌ها به‌ندرت یافت می‌شوند. مثلاً امامی در این باره آورده است:

من نمی‌دانم کمبود این مدخل‌های ایرانی و بعضاً اسلامی چقدر از کارایی این فرهنگ (هزاره) برای استفاده‌کنندگان می‌کاهد. دلم می‌خواست مدخل‌هایی از این دست را که در زیر می‌آورم در آن می‌دیدیم. Achaemenian هخامنشی، Caspian دریای خزر، circumambulation طواف، Kaaba کعبه، kevir کویر، kurdish کردی، Qajar قاجار و ... و در میان واژه‌های مربوط به ادوار تاریخ ایران تنها parthian پارتی را یافتیم (امامی، ۱۳۸۵: ۱۸۲، ۱۸۳).

با این وصف کار مترجم در انتقال اسامی علم در متون تاریخی بسیار خطیر و پیچیده است.

۲.۴ اطمینان از صحت انتقال نام از زبان مبدأ به زبان مقصد

بعد از ترجمه متن تاریخی، مترجم باید از صحت انتقال اسم خاص از زبان مبدأ به زبان مقصد اطمینان حاصل کند. مثلاً اروپاییان واژه «empire» را برای هر مجموعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، که دارای اجزای نامتجانس باشد، به‌کار می‌برند؛ اما در تاریخ ایران باستان این واژه باید به «شاهنشاهی» و در تاریخ اسلام به «خلافت» ترجمه شود، زیرا مفهوم خاص خود را در دوره تاریخی‌اش انتقال می‌دهد. نمونه دیگر واژه «people» به معنی مردم و «peoples» به معنی اقوام است که یکی شمول عمومی و دیگری مشخصه جزئی دارد. این که کلمه «امپراتوری» به «مردم امپراتوری» ترجمه شود، اشتباه به نظر می‌رسد؛ با کمی دقت می‌توان این واژه را «اقوام امپراتوری» ترجمه کرد که رابطه مفهومی صحیحی با واژه اصلی دارد.

۳,۴ تطبیق دوره تاریخی و مرتبه نام خاص

در ترجمه صحیح متن تاریخی استفاده از واژه‌های متعلق به دوره تاریخی از ضروریات کار است. مثلاً در مجموعه مقالات میراث ایران (*The Legacy of Persia*)، که آرتور جان آربری (A. J. Arberry) گردآوری کرده است، مترجم عنوان فصل اول کتاب «Persia and the Ancient World» (Iliffe, 1953: 1-38) را چنین ترجمه کرده است: «ایران و دنیای قدیم» (ایلیف، ۱۳۸۴: ۵-۵۳)؛ برای ترجمه این عنوان می‌توان «ایران و دنیای کهن» یا «ایران و دنیای باستانی» را نیز در نظر گرفت؛ اما از آن‌جاکه در رشته تاریخ اصطلاح «جهان باستان» به محدوده زمانی مشخصی اطلاق می‌شود که این متن بر آن تکیه دارد، باید عبارت تخصصی تر «ایران و جهان باستان» را انتخاب کرد. برای ترکیباتی چون خلافت عثمانی، خلافت اموی، خلافت عباسی، حکومت ممالیک، و ایوبیان توجه به محدوده تاریخی و جغرافیایی به‌خوبی می‌تواند مترجم را از اشتباه‌های بزرگ مصون نگه دارد.

۴,۴ ویرایش علمی با تکیه بر اسامی خاص

در تدوین نهایی متون تاریخی ویرایش علمی، به‌ویژه تکیه بر اسامی خاص، از ضروریات است. احتمال می‌رود مترجم هنگام نقل مفهوم جمله به زبان مقصد از آوردن پیشوند و پسوند اسم خاص چشم‌پوشی کرده باشد، یا اصلاً توجهی به آن نکرده باشد، که در ویرایش اسامی علم می‌توان این جاافتادگی‌ها را دوباره به‌کار بست. مثلاً در ترجمه اسامی خاص «Khosrow II» خسرو دوم یا خسرو پرویز (Wiesehofer, 1996: 174)، و «Shalmaneser III»، شلم نصر سوم (Iliffe, 1953: 4)، مترجم حتماً باید به عدد بعد از اسم توجه کامل داشته باشد و آن را صحیح ترجمه کند. همچنین «materialism» به معنی «مادی‌گرایی» است نه ماده‌گرایی (ادواردز، ۱۳۷۵: ۳۲۷)؛ مادی با ماده تفاوت ارزشی دارد و باید این‌گونه خطاها در تدوین نهایی ترجمه برطرف شود.

۵,۴ توجه به تفاوت کاربرد نام خاص در دو زبان مبدأ و زبان مقصد

متون تاریخی به‌سبب بهره‌گیری از منابع گوناگون داخلی و خارجی در مبحث اسامی خاص شرایط ویژه‌ای دارند. این احتمال هست که در زبان مبدأ نام پدیده یا شخص خاصی با نام آن در زبان مقصد متفاوت باشد. مثلاً «Zoroastrianism» زرتشتی‌گری، «Carthage» کارتاژ یا فنیقیه در زبان فارسی، «Gauls» گل‌ها، «Caucasian» قفقازی، «Xerxes» خشایارشا، «Cyrus»

کورش، «Susa» شوش، «Trans-oxiana» ماوراءالنهر یا فرارود، «Oxus» جیحون، «Euxine» سیحون، «Kyaxares» هوخستره، پادشاه ماد، که تلفظ انگلیسی آن‌ها با تلفظ فارسی متفاوت است. دقت در انتقال درست این اسامی مهم‌ترین قسمت در تدوین ترجمه صحیح متون تاریخی است. در صورتی که هرکدام از این اسامی به درستی منتقل نشود، مخاطب مفهوم جمله را نمی‌فهمد یا این که در ترجمه درهم‌ریختگی راه می‌یابد.

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که اسامی خاص و اعلام تاریخی در شناساندن متن ترجمه‌شده از زبان مبدأ به مقصد نقش مهمی برعهده دارند، توجه و دقت بسیار مترجم را طلب می‌کنند. وقایع تاریخی، به سبب منحصر به فرد بودن، اسامی خاصی دارند و هرگونه اشتباه در انتقال آن‌ها به زبان مقصد، بنیان ترجمه را در نظر مخاطبان به خطر می‌اندازد. تفاوت در آوانویسی اسامی خاص باید مترجم را بر آن دارد تا با مراجعه به منابع دست اول متن اصلی یا فرهنگ‌های معتبر، نام خاص را با استناد به منابع منتقل کند. رعایت امانت در این کار از رعایت امانت در انتقال مفهوم نه تنها کم‌تر نیست، بلکه از جهاتی اهمیت چندین برابری دارد. عمدتاً نام‌های تاریخی در ترجمه به دو دسته نام‌های تغییرناپذیر و نام‌های متغیر تقسیم می‌شوند. نام‌های تغییرناپذیر نام‌هایی هستند که زبان مقصد معادلی برای آن‌ها ندارد و مطابق با آوانوشت زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شوند. اما نام‌های متغیر نام‌هایی هستند که در زبان مقصد واژه‌ای جدا از واژه زبان مبدأ برای آن‌ها هست و مترجم باید برای انتقال آن نام را به کار ببرد. بیش‌تر خطاهای رایج در انتقال اسامی تاریخی از ناتوانی در شناخت اسم خاص، انتقال نادرست، و جابه‌جایی نقش فاعل و مفعول اسم خاص ناشی می‌شود و مترجم باید در تدوین نهایی ترجمه به دقت آن را بررسی کند. مقایسه متن ترجمه‌شده با سایر متون تاریخی، اطمینان از صحت انتقال نام‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد با توجه به شناسه‌های تاریخی، ویرایش علمی با تکیه بر اسامی خاص، و توجه به تفاوت‌های کاربرد نام خاص در دو زبان مبدأ و مقصد از مهم‌ترین راه‌کارهای جلوگیری از لغزش و خطا در ترجمه و انتقال اسامی خاص تاریخی است.

منابع

آربری، آرتور جان (۱۳۸۴). *میراث ایران*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.

- ادواردز، پل (۱۳۷۵). *فلسفه تاریخ: مجموعه مقالات از دایرةالمعارف فلسفه*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امامی، کریم (۱۳۷۲). *از پست و بلند ترجمه*، ج ۱، تهران: نیلوفر.
- امامی، کریم (۱۳۸۵). *از پست و بلند ترجمه*، ج ۲، تهران: نیلوفر.
- ایلیف، جان هنری (۱۳۸۴). «ایران و دنیای قدیم»، در *میراث ایران*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.
- حدادی، محمود (۱۳۸۴). *مبانی ترجمه*، تهران: رهنما.
- حسین زاده شانه‌چی، حسن (۱۳۸۷). «خطاهای رایج در ترجمه متون تاریخ و تمدن اسلامی»، *فصلنامه نامه تاریخ پژوهان*، س ۴، ش ۱۴.
- صدیق بهزادی، ماندانا (۱۳۷۵). *شیوه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی*، تهران: مرکز.
- قاضی، محمد (۱۳۷۹). *رسالت مترجم: اندیشه‌ها و دیدگاه‌های محمد قاضی*، تدوین عرفان قانع‌فرد، تهران: نقش و نگار.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۴). *ترجمانی و تریزبانی*، تهران: جامی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۵). «مسئله امانت در ترجمه»، در *مجموعه مقالات درباره ترجمه*، تهران: مرکز.
- هژیرنژاد، حسین (۱۳۷۲). *آیین ترجمه*، بی‌جا: دونور.

Arberry, Arthur john (1953). *The Legacy of Persia*, Oxford: Clarendon Press.

Ilfie, J. H (1953). "Persia and the Ancient World", *The Legacy of Persia*, Oxford: Clarendon Press.

Makdisi, George (ed.) (1965). *Arabic and Islamic Studies in Honor of Hamilton, A. R Gibb*, Leiden: Brill.

Wiesehofer, Josef (1996). *Ancient Persia From 550 BC to 650 AD*, New York: I. B. Tauris.

